

0002("la te., & U ,sseH
"snoitpecrepnoitomE dna noitingoC: 906-246.pp ,41 .oN ,5 .lov.

tairavitlum :ygoloedi elor redneg dna seruoser ,noitaler rewop latiraM")9991(.l ,kiluK

",stceffe gnissessa rof ledomseidutS ylimaF evitarapmoC fo lanruoJ. 03,lov .gnirps , .702-981
:pp ,2 ,ussl

s'namow dna s'nem tuoba efileb :ytilibarenluv surev ytilibA)3002,)la te., & m ,sremmiT
,roivaheb lanoitomenoitome dna noitingoC: 14-75.PP ,1 .oN ,41 .lov,

.)9991(J ,renruTyroehT lacigoloicoS fo erutcurtS ehT.

سید عبدالحسین نبوی استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید
چمران اهواز است.

لیلا احمدی کارشناس ارشد جامعه‌شناسی است.

مطالعه جامعه‌شناختی بزهداری: ...

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره 2

مطالعه جامعه‌شناختی بزهداری:

آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو

اکبر علیوردی‌نیا، محمداسماعیل ریاحی، سیده ملیحه موسوی چاشمی

امروزه گسترش بزهداری در جامعه، به‌ویژه در بین نوجوانان، از حساسیت‌های ویژه‌ای برخوردار شده است. بازتاب چنین حساسیت‌هایی زمینه را برای پژوهش‌های علمی به منظور علت‌یابی و آرایه‌ی راهکارهای بهینه فراهم می‌سازد. تحقیق حاضر با آزمون تجربی نظریه‌ی فشار عمومی اگنیو (که در واقع نسخه تجدیدنظرشده‌ای از نظریه‌ی فشار است)، به دنبال تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان بزهداری نوجوانان می‌باشد. روش تحقیق پیمایشی بوده است و 400 دانش‌آموز سال سوم دبیرستان‌های شهر بابل در سال تحصیلی 1385 - 86 به‌طور خود اجرا به پرسشنامه پاسخ داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حذف محرک مثبت، وجود محرک منفی و حالات عاطفی منفی با متغیر وابسته (یعنی بزهداری) رابطه مستقیم و معناداری داشته‌اند. همچنین رابطه مستقیم و معناداری بین متغیرهای عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، وجود محرک منفی و حالات عاطفی منفی نوجوانان مشاهده شده است.

در نتیجه، می‌توان گفت که یافته‌های به دست آمده در زمینه رابطه متغیرهای مستقل تحقیق با بزهکاری موافق با نظریه فشار عمومی اگنیو و مطالعات انجام‌شده پیشین است.

مفاهیم کلیدی: نظریه فشار عمومی، بزهکاری، روابط اجتماعی منفی، محرک مثبت.

1. طرح مسئله

مسئله بزهکاری و انحراف نوجوانان از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است و هم‌اکنون نیز از مباحث اصلی بسیاری از دانشمندان می‌باشد. مروری بر کثرت جرائم در عالم و در کشور خودمان گویای این واقعیت است که بزهکاری یکی از بلاهای بزرگ امروز ماست (نوربها، 1377: 14). بزهکاری کنشی است مبین ضعف تعلق جمعی رسمی و در نتیجه نارسایی تفکیک‌پذیری اجتماعی و عدم توازن بین تمایل جامعه‌شیدایی - جامعه‌ستیزی در شخصیت کنشگر (محمدی اصل، 1383: 61). بسیاری از صاحب نظران معتقدند، نوجوانی دوره‌ای از چرخه زندگی آدمیان است که تبه‌کاری در طول سال‌های آخر آن به اوج خود می‌رسد. زیرا این دوره زمانی است که با ضعیف شدن نظارت والدین و گسترش روابط با گروه‌های مختلفی از همالان، فشارهای اجتماعی ایجاد می‌شود. بسیاری از کودکان با ضربه عاطفی ناشی از گسیختگی خانواده و تغییرات مکرر در ساختار خانواده، خودشان را تحت فشار می‌بینند و با ورود زودرس به حیطة تمایلات جنسی و استعمال مواد مخدر، از خود واکنش نشان می‌دهند (سیگل، 1998: 181). همچنین زمانی که به سن بلوغ می‌رسند، انتظاراتشان زیاد می‌شود و بعضی از آن‌ها قادر به مواجه شدن با تقاضاهای آکادمیک و اجتماعی نیستند. نوجوانان نگران وضعیتشان با همالان خود هستند. این‌گونه نقایص در این زمینه‌ها می‌تواند به طرد شدن از اجتماعی که خود منبع دیگری برای فشار است تبدیل شود (همان: 181). گسترش برخی از انواع بزهکاری مانند مصرف مواد مخدر، خرابکاری، فرار از مدرسه و... در بین نوجوانان سبب شده است تا تبیین بزهکاری و کشف عوامل مؤثر بر رفتار بزهکارانه در کانون توجه جامعه‌شناسان انحرافات قرار گیرد و به دنبال آن نیز آزمون‌های تجربی متعددی در این راستا انجام شود. به عنوان نمونه، نظریه‌های ساختاری انحراف از جمله نظریه‌هایی است که معتقد است اجتماع مسئول کلیه کجروی‌هاست. زیرا خود عامل به وجودآورنده آن‌هاست (ستوده، 1376: 126). همچنین یکی از تبیین‌های ساختاری که به بررسی و مطالعه در جهت علت‌یابی و ارائه بهینه برای بزهکاری پرداخته، نظریه فشار می‌باشد که البته در سال‌های اخیر تجدید حیات شده است، زیرا رابرت اگنیو یک نظریه فشار عمومی تجدیدنظر شده‌ای را معرفی می‌کند. در این نسخه تجدیدنظر شده از نظریه فشار، اگنیو تلاش نموده تا بر ناسازگاری‌ها و تناقض‌هایی که نظریه‌های سنتی فشار را به ستوه آورد غلبه کند برویدی تجدیدنظر شده‌ای را معرفی می‌کند.

در این نسخه تجدیدنظر شده از نظریه فشار، اگنیو تلاش نموده تا بر ناسازگاری‌ها و تناقض‌هایی که نظریه‌های سنتی فشار را به ستوه آورد غلبه کند (برویدی، 2001: 9)، امروزه با توجه به پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعات و افزایش عوامل فشارزا، ارزیابی نظریه فشار عمومی اگنیو بسیار با اهمیت می‌باشد. به علاوه، نظریه فشار عمومی نظریه نسبتاً جدیدی است که به نظر می‌رسد تا به حال در کشور ما مورد ارزیابی قرار نگرفته است، هر چند که آزمون‌هایی در کشورهای دیگر صورت گرفته بیانگر تأیید موقتی این نظریه است. به نظر رابرت اگنیو، شکست در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت، فقدان انگیزه‌های ارزشمند مثبت و وجود انگیزه‌های منفی از منابع فشار می‌باشد. از آنجایی که منابع فشار در طول زندگی بسیار متنوع است. بنابراین

باید میزان فشار را تخمین زد. از این رو، در این تحقیق، سعی می‌شود مباحث نظری این نظریه را در زمینه عوامل مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان، با ارزیابی رابطه بین بزهکاری و انواع مختلف فشار و بررسی مناسبات بین فشار و سایر انواع حالات عاطفی منفی تحت آزمون تجربی قرار داده شود.

2. پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های انجام شده، از آنجا که در داخل کشور هیچ گزارشی در مورد آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو یافت نشد، از این رو در این تحقیق فقط تحقیقات انجام شده در خارج از کشور به صورت مختصر بیان می‌شود. اگنیو و وایت (1992) طی تحقیقی به ارزیابی تجربی نظریه فشار عمومی از جرم و بزهکاری پرداخته‌اند. در این تحقیق برای تأثیر فشار بر روی بزهکاری از چنین متغییر از جمله هم‌نشینی با همالان بزهکار و اعتماد به نفس استفاده شد. تعداد 1380 نفر از جوانان 12، 15 و 18 ساله نیوجرسی، بین سال‌های 1981، 1979 از طریق تماس‌های تلفنی دعوت به مصاحبه شدند. در حدود 40 درصد از پاسخ‌گویان واجد شرایط موافقت کردند تا در این طرح که شامل آزمون‌ها و مصاحبه خانگی بود، شرکت کنند. نتایج داده‌ها تأییداتی را برای نظریه فشار عمومی فراهم می‌کند، زیرا سنج‌های فشار بحث شده در این مطالعه به‌طور مثبت تأثیر قابل توجه‌ای بر روی بزهکاری و استعمال مواد مخدر داشته‌اند. پاترنوستر و مازرولی (1994) در پژوهشی تحت عنوان «نظریه فشار عمومی و بزهکاری»

یک آزمون جامع‌تری از نظریه فشار عمومی را با نمونه طولی از جوانان ارائه داده‌اند. در این مطالعه ابتدا، 2360 نفر از جوانان در سنین 11 - 17 از خانواده‌های ایالات متحد انتخاب شدند. از این تعداد 1725 نفر حاضر به شرکت در اولین مصاحبه شدند. یک سال بعد، با 1655 نفر برای بار دوم مصاحبه انجام شد. بدین ترتیب با حذف موردهای از دست رفته، تعداد آن‌ها به 1525 نفر تقلیل یافت. در این تحقیق سعی گردید با یک مدل علی ارتباط فشار عمومی با کنترل اجتماعی، هم‌نشینی با همالان بزهکار و رفتار بزهکارانه مورد آزمون قرار گیرد. یافته‌های به‌دست آمده تأییداتی را برای نظریه عمومی فشار فراهم می‌نماید. زیرا مطابق با نظر اگنیو و تحقیق وایت (1992)، نتایج نشان می‌دهد که مناسبات منفی با بزرگسالان، احساسات ناراضی‌تبی با دوستان، محیط مدرسه و تجربیات حوادث فشارآور (خانواده، کتک‌کاری کردن، بیکار شدن، مهاجرت) به‌طور مثبت با بزهکاری مرتبط می‌باشند. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت نتایج تحقیق حاکی از آن است که چند بعد فشار عمومی به‌طور مثبت با گرفتار شدن در یک دامنه وسیعی از فعالیت‌های بزهکارانه مرتبط می‌باشند. همچنین، فشار هم یک تأثیر مستقیم و هم یک تأثیر غیرمستقیم (با ضعیف کردن موانع رابطه اجتماعی و افزایش گرفتاری‌های شخصی با همالان بزهکار) به بزهکاری دارد. بنابراین می‌توان گفت که نظریه فشار عمومی، سهم در تبیین بزهکاری دارد. برزینا (1996) در تحقیقی تحت عنوان «انطباق با فشار» مطرح می‌کند که رفتار بزهکارانه جوانان را قادر می‌سازد تا با مشکلات اجتماعی و عاطفی که به‌وسیله مناسبات منفی اجتماعی به‌وجود می‌آیند مقابله کنند. به همین دلیل، این مطالعه در پی آن بود تا روش‌هایی را که از طریق آن بزهکاری ممکن است جوانان را قادر سازد تا با فشار مقابله کنند کشف کند. مطالعه حاضر برای آزمون تأثیر تقابل رفتار بزهکارانه داده‌های پیمایش ملی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی را به‌کار برد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بزهکاری جوانان را قادر می‌سازد تا نتایج عاطفی فشار را به حداقل برسانند و همچنین حمایت تجربی‌ای را نیز برای تفسیر بزهکاری به عنوان یک پاسخ انطباقی با محیط‌های برخلاف میل توسعه دهد.

بنابراین، نتایج این مطالعه موافق با دیدگاه نظریه عمومی فشار می‌باشد. زیرا یافته‌ها نشان می‌دهند که فشار منتهی به یک رشته از حالات عاطفی منفی مانند احساس خشم، اضطراب و افسردگی می‌شود. جان‌هافمن و سوزان‌سو (1997) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات شرطی استرس بر بزهکاری و استعمال مواد مخدر»، به ارزیابی نظریه فشار عمومی در مورد تفاوت‌های جنسی پرداخته‌اند. در این مطالعه سعی شده است، مدل فشار عمومی اگنیو، با تعیین تفاوت‌های خاص جنسی، حوادث فشارآور زندگی بر بزهکاری و استعمال مواد مخدر، به دقت شرح داده شود. بدین‌منظور، دو مقطع (1992، 1994) از داده‌های یک نمونه 803 نفری را از بین افراد 11 تا 17 ساله که در مطالعه جوانان پرخطر شرکت کرده بودند مورد مطالعه قرار دادند. برآورد داده‌ها حاکی از آن است که پیامدهای فشارآور زندگی بین مردان و زنان بزرگسال به‌طور مشابهی با ارتکاب بزهکاری و استعمال مواد مخدر مرتبط است. زیرا نتایج مدل معادله ساختاری نشان می‌دهد که تعداد کمی از تفاوت‌های جنسی با اهمیت وجود دارد. حوادث فشارآور زندگی نیز تأثیر کوتاه و مشابهی بر بزهکاری و استعمال مواد مخدر در بین زنان و مردان دارند. علاوه بر آن، تغییرات در حوادث زندگی با بزهکاری و استعمال مواد مخدر به‌طور گسترده در ارتباط می‌باشد.

مازرولی (1998) در پژوهشی تحت عنوان «جنسیت، تئوری فشار عمومی و بزهکاری» به بررسی تجربی نظریه فشار عمومی پرداخته است. این مطالعه با مقایسه‌های گوناگون و بسیار زیادی که در بین زنان و مردان انجام داده است، در پی آن بود تا ارزیابی کند آیا تفاوت‌های معناداری در میان این گروه‌ها وجود دارد یا خیر؟ داده‌های مورد استفاده در این مطالعه طولی از مراحل اول و دوم پیمایش ملی جوانان است که شامل 1498 نفر می‌باشد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در نمونه‌های طولی که رفتارهای بزهکارانه را پیش‌بینی می‌کنند، شواهدی درباره تأثیر مثبت فشار بر جرم‌های متوالی پیدا شده است، که البته در مورد پیش‌بینی‌کننده‌های دیگر، این موضوع یک نکته اساسی می‌باشد. همچنین در مقایسه تأثیرات پیش‌بینی‌کننده‌هایی که در گروه قرار دارند، شواهدی یافت شد که نشان می‌دهد تفاوت معناداری در تأثیرات پیش‌بینی‌کننده‌های مرتبط با GST در بین زنان و مردان وجود ندارد. با تأکید بر تأثیرات خاص جرم بر خشونت و بزهکاری که به مشکلات مالی مربوط می‌شدند، شواهد کمی از تفاوت‌های جنسیتی در تأثیرات حوادث منفی زندگی و تجربیات بر بزهکاری بعدی یافت شد.

برویدی (2001) در پژوهشی تحت عنوان «آزمون نظریه فشار عمومی»، آزمون جامع‌تری از این نظریه را ارائه داده است. در این مطالعه سعی شده است که سنجه‌هایی از خشم و سایر حالات عاطفی منفی به علاوه یک سنجه از تقابل قانونی ارائه شود. داده‌های مورد نیاز برای تحقیق مبتنی بر نمونه‌های غیرتصادفی و قابل دسترس از دانشجویان دوره لیسانس دانشگاه شمال غربی آمریکا (نیومکزیکو) در طول ترم پاییزه سال 1995 بوده، که در مجموع، 1960 نفر را در بر می‌گرفت. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند که فشار، احساسات منفی و تقابل قانونی اگرچه همیشه در مسیر مورد انتظار نیستند، ولی همگی به یکدیگر مرتبط می‌باشند. از این‌رو، نتایج مبین این هستند که ماهیت ارتباط بین این سه متغیر و نتایج جرائم توسط «انواع فشار»،

«حالات منفی تجربه افراد» و «تفاوت‌های جنسی» در فرایند ارتباط بین متغیرهای اصلی شکل می‌گیرند. نتایج این مطالعه نظریه فشار عمومی را مورد تأیید قرار می‌دهد. ایتل (2002) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی منبع فشار موجد انحراف برای زنان»، به بررسی تبعیض ادراک شده و نظریه فشار عمومی پرداخته است. این تحقیق بیان می‌کند که تحقیقات اندکی رابطه بین تبعیض را به‌طور کلی، تبعیض مبتنی بر

جنسیت و انحرافات زنان را به‌طور خاص شناسایی کرده‌اند. از این‌رو، با استفاده از پیکره‌ی اصلی نظریه فشار عمومی و داده‌های حاصل از نمونه‌ای شامل 821 نفر از زنان جوان ساکن در یکی از شهرهای نواحی جنوب شرقی آمریکا، مطالعه‌ای انجام شد تا کشف کند که آیا سنجه‌های مربوط به تبعیض عملی تجربه شده که توسط افراد گزارش شده است با فعالیت‌های جنایی که آن‌ها به آن اعتراف کرده‌اند ارتباط دارد یا نه؟ همچنین این پژوهش در پی آن بود تا مسبب اصلی این بی‌نظمی‌ها را مشخص نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد زنانی که تصور می‌کنند قربانی تبعیضات جنسیتی شده‌اند، بیشتر در جنایت شرکت کرده‌اند تا در عوض از این بی‌نظمی‌ها استفاده کنند. سان جون جنگ و جانسون (2003) در تحقیقی تحت عنوان «فشار، عواطف منفی و تقابل منحرفانه بین سیاهپوستان آمریکایی»، آزمونی از نظریه فشار عمومی ارائه داده‌اند این تحقیق که بر سه عامل محیطی (شامل دو عامل درونی یعنی عزت نفس و اعتماد به نفس، و دیگری مذهب) متمرکز می‌باشد، داده‌های مورد نیاز را از یک نمونه‌ی ملی از جوانان سیاهپوست آمریکایی جمع‌آوری کرده است. نتایج به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها به‌طور کلی نظریه عمومی فشار را تأیید می‌کند، زیرا اولاً، با میانجی‌گری اثرات فشار بر تقابل انحرافی، عواطف منفی اثرات قابل توجهی به صورت مستمر بر انحراف دارند. همچنین به‌طور قابل توجهی نیز اثرات هم جهت عواطف منفی بر تقابل انحرافی بزرگتر از اثرات خلاف جهت آن می‌باشند. ثانیاً، با این‌که عزت نفس و اعتماد به نفس به‌طور کلی به عنوان عوامل شرطی از تأیید تجربی باز می‌مانند، ولی مشخص شد که دینداری به‌طور قابل ملاحظه‌ای با حالات عاطفی منفی بر روی انحراف تأثیر می‌گذارد. وان نینگ باو و همکارانش (2004) در پژوهشی تحت عنوان «فشار زندگی، احساسات منفی و بزهکاری» به ارزیابی تجربی نظریه فشار عمومی در بین مردم جمهوری خلق چین پرداخته‌اند. از این‌رو، محققان با استفاده از نمونه 615 مدرسه راهنمایی و دانش‌آموزان دبیرستان مناطق شهری و روستایی چین فرضیه‌های اصلی مرتبط با مدل میانجی‌گری نظریه فشار عمومی اگنیو را مورد آزمون قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که خشم تعدیل‌کننده‌ی اثرات فشار بین فردی بر خشونت، و رنجش نیز تعدیل‌کننده‌ی اثرات فشار بین فردی بر بزهکاری غیرخشونت‌بار می‌باشد. اضطراب و افسردگی یک تأثیر میانجی‌گرانه یا تعدیل‌کننده بر مناسبات، فشار بین فردی و تخلفات کوچکتر دارد. استروئسکی و مسنر (2005) با استفاده از نظریه فشار عمومی، به تحقیقی تحت عنوان «تبیین جرم در بین جوانان» پرداخته‌اند. نمونه آماری این تحقیق شامل 1725 نفر از جوانان آمریکایی می‌باشد که از آن‌ها درخواست شد رفتارهای تهاجمی یا تخلفاتشان را در سنین 20 تا 21 سالگی بیان کنند. در این مطالعه، قدرت تأثیرات سنجه‌های فشار و نیز تأثیر روابط متقابل بین فشار و رفتارهای تهاجمی بر افسردگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که معرفه‌های فشار، تأثیرات معناداری بر روی تخلفات خشونت‌آمیز و جرایم علیه اموال می‌گذارد و همچنین سنجه‌های مربوط به انواع فشار (فشار ناشی از قربانی شدن، فشار محله و ناشی از زندگی با جنگ و دعوا) به‌طور مثبت با افسردگی مرتبط می‌باشد. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل‌ها نشان‌دهنده تفاوت جنسیتی در تأثیر افسردگی بر تخلفات می‌باشد. یعنی افسردگی بر تخلفات مردان اما نه بر زنان، تأثیر می‌گذارد. از این‌رو، مردان جوان بر خلاف زنان کمتر تمایل دارند تا در مقابله با فشار دچار افسردگی شوند. بنابراین، این نوع پاسخ احساسی بیشتر مردان را به انجام دادن تخلفات تحریک می‌کند.

2 - 1 - 1 . تحقیقاتی که به رابطه منابع فشار و بزهکاری و استعمال مواد مخدر پرداخته‌اند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که اکثر تحقیقات بیان شده با بررسی رابطه منابع فشار (عدم دستیابی به اهداف ارزشمند و مثبت، حذف محرک مثبت، وجود محرک منفی و حالات عاطفی منفی) و بزهکاری، به ارزیابی تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو پرداخته‌اند. تحقیقاتی را هم که در این زمینه انجام شده است می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: اولاً، تحقیقاتی که برای تبیین بزهکاری فقط از نظریه فشار عمومی اگنیو استفاده کرده‌اند. ثانیاً، تحقیقاتی که علاوه بر نظریه مذکور از متغیرهای نظریه‌های دیگر از قبیل کنترل اجتماعی، یادگیری اجتماعی و همنشینی افتراقی به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده کرده‌اند.

2 - 1 - 2 . تحقیقات پیرامون رابطه حالات عاطفی منفی و بزهکاری: از آنجایی که از نظر اگنیو حالات عاطفی منفی، از جمله خشم، مبحث مهمی از این نظریه را شامل می‌شود، بررسی رابطه حالات عاطفی منفی مانند اضطراب، افسردگی، رنجش و مخصوصاً خشم محور بسیاری از تحقیقات انجام شده را تشکیل می‌دهند. تبیین‌های متعددی که در مورد خشونت وجود دارد بیانگر این امر می‌باشد.

2 - 1 - 3 . تحقیقات پیرامون تفاوت‌های جنسیتی: تعداد معدودی از تحقیقات به بررسی میزان بزهکاری در بین زنان و مردان پرداخته‌اند. بدین صورت که با مشخص کردن و مقایسه منابع فشار در مردان و زنان، روند بزهکاری را در بین هر دو جنس بررسی کرده‌اند. همچنین تعداد معدودی از تحقیقات در پی آن بودند تا با مرتبط کردن شرایط اجتماعی و فرایندهای سطح فردی، این نظریه را در سطح کلان مورد آزمون تجربی قرار دهند. با مروری بر تحقیقات پیشین مشاهده می‌شود که جامعه آماری تمام تحقیقات انجام شده به‌جز یک مورد (وان نینگ باو، 2003) را افراد جوامع غربی شامل می‌شوند. لذا ویژگی تحقیق حاضر آن است که نظریه فشار عمومی را در یک جامعه غیرغربی (شرقی و اسلامی) مورد آزمون تجربی قرار می‌دهد.

3 . چهارچوب نظری

نظریه‌های فشار از جمله نظریه‌های ساختاری هستند که به دلیل داشتن یک سری از محدودیت‌ها مورد انتقاد شدید قرار گرفتند. به‌دنبال این انتقادات، رابرت اگنیو از جمله کسانی بود که به حمایت از این نظریه برآمد و برای پاسخ به این انتقادات نظریه مذکور را مورد بررسی مجدد قرار داد و دوباره تدوین کرد. به این صورت که وی با معرفی نظریه‌ی فشار عمومی نشان داد که بسیاری از نظریات موجود در جامعه که در دهه 1930 وجود داشته‌اند، حتی امروزه هم دارای کاربرد می‌باشند (سوتھیل و همکارانش، 1383: 179، 180). نظریه فشار عمومی اگنیو که نه ساختاری و نه فردی است، سعی می‌کند تا وقوع جرمی را که ناشی از فشاری است که فرد در زندگی با آن روبه‌رو می‌شود تبیین کند. همچنین این نظریه می‌تواند مقیاس‌های فشار، انواع اصلی فشار، رابطه بین فشار و بزهکاری، رویکردهای تقابلی نسبت به فشار، عامل رفتار بزهکارانه یا غیربزهکارانه و نظریه‌های سیاسی را که مأخذ آن‌ها این نظریه است تعریف کند. علاوه بر آن، نظریه فشار عمومی این قابلیت را دارد که برای توصیف بزهکاری بین گروه‌ها، به‌طور مثال، نرخ بزهکاری مردان در مقابل زنان، نیز مورد استفاده قرار گیرد. اگنیو عنوان می‌کند

که بزهکاری نتیجه مستقیم تأثیرگذاری منفی خشم، ناکامی و احساسات مضر و زیان‌آور است که به دنبال مناسبات اجتماعی مخرب و منفی به وجود می‌آید (سیگل ، 1998: 179).

برخلاف نظریه‌های فشار پیشین که بر فشار اقتصادی متمرکز بودند، اگنیو بر پیچیده بودن فشار در جامعه مدرن تأکید داشت (سیگل و سینا، 1997:169). از این رو وی در نظریه فشار عمومی منابع اصلی فشار را بیان می‌کند، که این منابع عبارت است از:

3 - 1 . فشار ایجاد شده به خاطر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت

اگنیو استدلال می‌کند که عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت اولین نوع فشار در نظریه فشار عمومی می‌باشد، که جامعه‌ای با داشتن چنین مشخصه‌ای احتمالاً بیشتر از سایر جوامع سبب انسداد اهداف می‌شود. به‌طور خاص، چنین جوامعی افراد را به سمت تأکید بیشتر بر اهداف خاصی هدایت کرده و دستیابی به چنین اهدافی را برای افراد از طریق کانال‌های مشروع مشکل‌تر می‌سازد (اگنیو، 1999:127). همچنین وی عنوان می‌کند که سه نوع هدف متفاوت وجود دارد که اعضای جامعه برای هر کدام از آن‌ها تلاش می‌کنند. این اهداف شامل پول، منزلت و استقلال می‌شود. اهداف مذکور زمانی که اشخاص در زندگی خود با گسستگی‌هایی روبه‌رو می‌شوند، تبدیل به فشار می‌شود. اولین مورد از این گسستگی‌ها گسستگی بین آرزوها و توقعات است که کانون نظریه‌های فشار پیشین است (اگنیو، 1992:51) است. اما در سال‌های 1980، اگنیو این دیدگاه را مورد انتقاد قرار داده و معتقد است که شکاف و گسستگی بین آرزوها و انتظارات تنها در برخی موقعیت‌های خاص منشأ فشار است (کوئری، 1982:24، 23). منبع دیگر فشار که در نتیجه مسدود شدن هدف ایجاد می‌شود، گسستگی بین توقعات و دستاوردهای واقعی است. این گسستگی حاصل رفتار فردی است. زمانی که دستاوردهای واقعی فرد کمتر از انتظار اوست، فشار افزایش می‌یابد (اگنیو، 1992:52). سومین نوع گسستگی زمانی ایجاد می‌شود که پیامد واقعی‌ای که فرد با آن مواجه می‌شود، آن پیامد منصفانه یا عادلانه‌ای که خود را سزاوار آن می‌داند، نباشد (همان: 53 - 55).

3 - 2 . فشار در نتیجه حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت از افراد

تحقیقات اگنیو درباره ادبیات فشار منجر به کشف این شده است که رفع انگیزه‌های مثبت نیز می‌تواند سبب فشار شود (همان: 57). به عنوان مثال، از دست دادن دوست دختر یا دوست پسر، نقل مکان به محل یا مدرسه جدید و طلاق یا جدایی والدین نیز می‌تواند موجب فشار باشد (سیگل و سینا، 1997:159). زمانی که فرد سعی می‌کند تا از فقدان انگیزه مثبت ممانعت کند و آنچه را که از دست رفته بازیابد، جایگزینی برای آن پیدا کند و یا از کسانی که مسئول از دست دادن آن بودند انتقام بگیرد، حذف یا فقدان انگیزه‌های مثبت ممکن است منجر به بزهکاری شود (اگنیو، 1992:57 - 59).

3 - 3 . فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی

فشار با حضور محرک‌های منفی یا مضر نیز می‌تواند ایجاد شود، مانند ترغیب به تعاملات اجتماعی مثل کودک آزاری، قربانی تبهکاری شدن، تنبیه بدنی، زد و خورد خانوادگی و همسالان، شکست تحصیلی و حوادث تنش‌زای زندگی اعم از تهدیدهای زبانی تا آلودگی هوا (سیگل، 1998:180). بیشتر داده‌ها بیانگر این هستند که ارائه محرک‌های مضر ممکن است، منجر به تجاوز و سایر پیامدهای منفی در شرایط معین شود، حتی زمانی که فرار قانونی از چنین محرک‌هایی امکان‌پذیر باشد. زمانی که جوان تلاش می‌کند تا:

- 1 . از محرک‌های منفی اجتناب یا فرار کند،
- 2 . محرک‌های منفی را کم کند یا خاتمه دهد،
- 3 . دنبال جایگزینی برای منبع انگیزه منفی یا اهداف مرتبط با آن باشد،
- 4 . از طریق استعمال مواد مخدر اثرات محرکات منفی را خنثی کند. محرک مضر ممکن است منجر به بزهکاری شود (اگنیو، 1992:58).

اگرچه، این منابع فشار از یکدیگر مستقل‌اند، ممکن است تداخل داشته باشند و عملاً با هم باشند. همچنین هر چه شدت و تکرار واقعه فشار بیشتر باشد تأثیر آن نیز بیشتر است و احتمال بیشتری هم دارد که موجب بزهکاری شود. مطابق گفته‌های اگنیو، هر نوع فشار، احتمال مشاهده احساسات و عواطف منفی‌ای مانند ناامیدی، افسردگی، ترس و از همه مهم‌تر خشم را افزایش می‌دهد. خشم نیز حس صدمه دیدن و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد و همین‌طور تمایل به انتقام را به وجود می‌آورد و افراد را برای عمل کردن برمی‌انگیزد و موانع آن را نیز کاهش می‌دهد (سیگل، 1998:180). بنابراین مطابق گفته‌های اگنیو افرادی که در معرض فشار مکرر قرار دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که اعمال بزهکارانه مرتکب شوند (اگنیو، 1992:60). زیرا افزایش فشار منجر به افزایش خشم می‌شود و به دنبال آن افزایش خشم نیز منجر به افزایش جرم می‌شود (همان: 61). نظریه فشار عمومی راهکارهای تقابلی غیر از جرم (راهکارهای تقابلی‌شناختی، احساسی و رفتاری) را که افراد در چهار چوب ابزار قانونی می‌توانند با فشار مقابله کنند معرفی کرده است. (اگنیو، 1992: 56). همچنین وی عواملی را (میزان حمایت‌های اجتماعی، میزان کنترل اجتماعی، میزان دسترسی به ابزار ارتکاب جرم، محیط‌های اجتماعی بزرگ، همنشینی با همالان بزهکار) که ممکن است فرد را به سمت بزهکاری هدایت کنند نیز بیان کرده است، از آنجایی که این بحث محور تحقیق را شامل نمی‌شود به همین مقدار بسنده می‌شود.

4 . فرضیات پژوهش

- عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت موجب افزایش بزهکاری نوجوانان می‌شود.
- حذف محرک مثبت موجب افزایش بزهکاری نوجوانان می‌شود.
- وجود محرک منفی موجب افزایش بزهکاری نوجوانان می‌شود.
- حالات عاطفی منفی موجب افزایش بزهکاری نوجوانان می‌شود.
- عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت موجب افزایش حالات عاطفی منفی نوجوانان می‌شود.
- حذف محرک مثبت موجب افزایش حالات عاطفی منفی نوجوانان می‌شود.
- وجود محرک منفی موجب افزایش حالات عاطفی منفی نوجوانان می‌شود.

5 . روش

5 - 1 . تعریف نظری و عملیاتی

5 - 1 - 1 بزهدكاري: بزهدكاري طيفي از رفتار است كه هم به تخلف از قانون وهم به تخلف از هنجارهاي اجتماعي و فرهنگي بدون قانونشكني رسمي اطلاق ميشود (احمدي، 1378 : 13) و به اعمايي اشاره دارد كه منع قانوني دارند (طالبان، 1383: 15). در تحقيق حاضر، اشاره ي اصلي مفهوم بزهدكاري به آن اعمال اجتماعي نوجوانان استكه قانوناً ممنوع يا از لحاظ اجتماعي قبيح شمرده ميشوند (طالبان، 1378: 44). در تحقيق حاضر، براي سنجش عملي متغير وابسته، يعني بزهدكاري، با استفاده از تقسيمبندي طالبان، ابعاد پنجگانه اي در نظر گرفته شده است: ونداليسم، خشونت، سرقت و تقلب، استعمال مواد مخدر و الكل، و كجرويهاي فرهنگي (سراجزاده، 1383). سپس براي هر يك از اين ابعاد معرفهايي مطرح شده و در نهايت با سؤالات مناسب مورد سنجش قرار گرفته اند. براي سنجش ونداليسم دانشآموزان دو سؤال بر اساس دو معرف ميزان نوشتن يا نقاشي كردن روي ديوار و صندليها و... و آسيب رساندن عمدي به در و پنجره و... در خيابان يا مدرسه پرسيده شده است. براي ساختن متغير خشونت گويههايي از قبيل «اعمال زور براي گرفتن چيزي از شخصي»، «ميزان زد و خورد در خيابان»، «ميزان صدمه رساندن به ديگران طوري كه نيازي به دكتور و پانسمان داشته باشند»، «پرسروصدا و سرکش بودن در مدرسه»، «زدن يا تهديد به زدن معلم يا ساير بزرگترها در مدرسه» و «ميزان درگيري فزيكي با همكلاسيها يا هممدرسههايها» طراحي شد. براي سنجش سرقت و تقلب دانشآموزان سؤالاتي در زمينه «برداشتن پول بدون اجازه از جيب پدر و مادر»، «نپرداختن پول تاكسي» و «ميزان تقلب در امتحانات» از دانشآموزان پرسيده شد و با تركيب يافتههاي به دستآمده از اين سؤالات و پس از رتبهبندي كردن آنها ميزان سرقت و تقلب دانشآموزان مورد سنجش قرار گرفت. همچنين از دانشآموزان در مورد ميزان استعمال و مصرف الكل، سيگار و قرصهاي اكس پرسيده شد و با تركيب اين گويهها ميزان استعمال مواد مخدر و الكل به دست آمد. نهايتاً، براي ساختن متغير كجروي فرهنگي نيز گويههايي از قبيل «فرار از مدرسه و خانه»، «گفتن دروغ به والدين»، «اخطار از مدرسه به خاطر وضع پوشش» و «رد و بدل كردن فيلمهاي غيرمجاز» و «داشتن دوستي از جنس مخالف» طراحي شده و با تركيب اين گويهها ميزان اين متغير به دست آمد.

5 - 1 - 2 از دست دادن (حذف) محرك مثبت: دومين نوع از انواع اصلي فشار ميشود كه ميتواند در قالب معرفهايي از قبيل از دست دادن دوستدختر يا دوستپسر، مرگ يا بيماريهاي جدي دوستان، جدائي يا طلاق يكي از والدين و غيره باشد. زمانيكه فرد سعي دارد تا با حذف محرك مثبت مقابله كند، يا جاگزيني براي آن پيدا كند، يا به دنبال انتقام از كساني است كه آن انگيزه مثبت را از وي گرفته اند، احتمال انجام دادن رفتار بزهدكارانه افزايش مييابد (اگنيو، 1992: 57). معيار سنجش حذف محرك مثبت در اين تحقيق برگرفته از پرسشنامههاي متعددي (مازرولي 1998؛ پاترنوستر و مازرولي، 1994؛ سان جون جنگ و جانسون، 2003؛ وارهام، 2005) ميباشد، كه شامل 12 گويه ميشود. در حقيقت ما با ارائه فهرستي از حوادث منفي زندگي از قبيل طلاق والدين، مرگ يكي از اعضا خانواده و... از پاسخگويان پرسيديم آيا هر يك از اين حوادث در خانه شما يا براي اعضا خانوادهتان در طول يك سال گذشته اتفاق افتاده است يا خير. لذا پاسخهاي مربوط به اين سؤالات به صورت دو مقوله اي (بله/خير) بوده است.

5 - 1 - 3 وجود انگيزههاي منفي: وجود انگيزههاي منفي، سومين نوع از انواع فشار را شامل ميشود. اگنيو استدلال نمود روابط منفي هيچانهاي منفي را در شخص به وجود آورده و سپس هيچانهاي منفي جرم را به وجود ميآورند (ولد، برنارد و اسنيپس، 1380: 238). برخي از موردهاي محرك منفي كه يك جوان ممكن است با آن روبهرو شود، عبارت

است از: سوءاستفاده از کودکان، مناسبات ناسازگار با والدین و معلمان، تجربیات منفی مدرسه، روابط ناسازگار با همالان، فشار محله‌ها و بی‌خانمان بودن و... هر یک از این محرک‌های منفی دامنه گسترده رویدادهای فشارانگیزند که فرد را به سمت بزهکاری رهنمون می‌کنند. برای وجود محرک منفی سه بعد در نظر گرفته شده است: بعد مناسبات منفی، بعد منازعه و بعد مشکلات محله. بعد مناسبات منفی شامل دو مولفه مناسبات منفی با والدین و مناسبات منفی با معلمان می‌شود. بعد منازعه نیز شامل دو مولفه منازعه با مدرسه و منازعه با همالان می‌شود. برای هر یک از این مؤلفه‌ها معرفی‌ها و در نهایت گویه‌های طراحی شده است. معیار سنجش مشکلات محله نیز معرفی‌هایی از قبیل مشکل وندالیسم، سرقت، دعوا، شرارت و قمه‌کشی و اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی می‌باشد.

5 - 1 - 4 حالات عاطفی منفی: مطابق نظریه فشار عمومی، افرادی که فشار را تجربه می‌کنند، ممکن است عواطف منفی‌ای را از قبیل خشم، رنجش، افسردگی یا اضطراب را گسترش دهند، که در حقیقت این عواطف منفی روشی برای تسکین دادن فشار درونی می‌باشند. در این پژوهش، حالات عاطفی منفی با هفت معرف تعریف شده است، به این صورت که از پاسخ‌گویان درخواست شد که درجه موافقت یا مخالفت خود را با هر کدام از این هفت حس فهرست شده در واکنش به اهداف مسدود شده مشخص کنند.

جدول شماره 1: نتایج تحلیل پایایی متغیر وابسته مستقل را پس از اعمال اصلاحات لازم در ابزار سنجش نشان می‌دهد.

ردیف	متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب پایایی
1	شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت	2	0/66
2	از دست دادن (حذف) محرک مثبت	12	0/54
3	وجود محرک منفی	28	0/87
4	حالات عاطفی منفی	7	0/87
5	بزهکاری	22	0/97

6. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی بوده است. این پژوهش همچنین از نوع مقطعی می‌باشد که با تکنیک پرسش‌نامه خود اجرا انجام شد. واحد تحلیل در این پژوهش فرد (دانش‌آموز) می‌باشد و سطح تحلیل خرد است. در ضمن، کلیه مراحل پردازش از طریق بسته نرم‌افزاری SPSS (رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر) به انجام رسیده است. در این پژوهش، جهت برآورد اعتبار سؤالات پرسش‌نامه، علاوه بر اعتبار محتوا، با مطالعه اکتشافی انجام شده برای کسب اطلاع از اعتبار پرسش‌نامه تحقیق از اعتبار سازه نیز استفاده شد. در اعتبار سازه، مفهوم و مقیاس با سازه تحقیق می‌باید با روابط مورد نظر در نظریه‌ها یا تحقیقات انجام گرفته قبلی هماهنگی داشته باشد. اگر مفهوم، مقیاس یا سازه تحقیق روابط یا جهت‌های پیش‌بینی شده در تحقیقات انجام گرفته قبلی را نشان دهد براساس اعتبار سازه، آن مفهوم و مقیاس موردنظر از اعتبار برخوردار است. نتایج این تحقیق نیز حاکی از آن است که میانگین بزهکاری دختران و پسران تفاوت معناداری داشته است. به

این معنا که میانگین بزهکاری پسران بیش از دختران می‌باشد. به عبارت دیگر، این الگوی مشاهده شده با انتظارات نظری و پیشینه پژوهشی کاملاً هماهنگ است و مؤید اعتبار سازه مقیاس بزهکاری محسوب می‌شود. برای سنجش پایایی مقیاس‌های مورد استفاده در این تحقیق نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است. در واقع، آلفای کرونباخ از عمومی‌ترین شیوه‌های بررسی پایایی ابزارهای سنجش است.

در تحقیق حاضر، برای ساختن متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، گویه‌های آن به صورت استاندارد درآمده است. همچنین یکی از دشواری‌های کار با مقیاس‌ها خواه با گویه‌ها خواه با گویه‌های استاندارد و خواه با نمرات خام تشخیص حد بالا و پایین این مقیاس است. حد بالا و پایین مقیاس بسته به تعداد گویه‌های آن، توزیع آن‌ها، تعداد طبقات هر گویه و حداقل و حداکثر نمره هر گویه مقادیر مختلفی می‌گیرد. برای غلبه بر این مسائل و مشهودتر کردن معنای نمرات مقیاس بهتر است مقیاس‌ها را به گونه‌ای تغییر دهیم که دارای مقادیر حداقل و حداکثر مشخص گردند (دواس، 1383 : 269). از این رو، در این تحقیق متغیرهای وجود محرک‌های منفی و وابستگی هم‌ارز شده‌اند.

6 - 1 جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق دانش‌آموزان دختر و پسر شهر بابل است که در سال 85 - 86 در پایه سوم دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی مشغول به تحصیل بوده‌اند. براساس آمار به‌دست آمده از اداره کل آموزش و پرورش شهرستان بابل، تعداد کل دانش‌آموزان در این مقطع تحصیلی، 5289 نفر (3399 دختر و 1890 پسر) می‌باشند. از میان 430 پرسش‌نامه‌ای که در بین دانش‌آموزان توزیع گردید، پس از کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های مخدوش، در نهایت 400 پرسش‌نامه مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چندمرحله‌ای متناسب می‌باشد.

7 . یافته‌های تحقیق

7 - 1 . یافته‌های توصیفی

7 - 1 - 1 . ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخ‌گویان

در این پژوهش 63/5 درصد نمونه مورد بررسی دختر و 36/5 درصد پسر بوده‌اند.

همچنین از تعداد کل پاسخ‌گویان 27/5 درصد در رشته تجربی، 30/8 درصد در رشته ریاضی و 41/8 درصد در رشته علوم انسانی مشغول به تحصیل بوده‌اند. 9/8 درصد از کل دختران و 1/4 درصد از مجموع پسران نمونه مورد بررسی متأهل بوده‌اند. همچنین 51/25 درصد پاسخ‌گویان متعلق به پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین، 7/75 درصد بالا و 41 درصد متوسط بودند.

7 - 1 - 2 . توصیف متغیرهای مستقل و وابسته

داده‌های جدول (2) حاکی از آن است که اکثریت پاسخ‌گویان (79/5 درصد) اظهار کرده‌اند که

جدول 2 . توزیع پاسخ‌گویان برحسب از دست دادن (حذف) محرک مثبت

از دست دادن (حذف) محرك مثبت	تعداد	درصد	درصد تجمعي
کم	318	79/5	79/5
متوسط	76	19	98/5
زیاد	6	1/5	100
جمع کل	400	100	--

در طول يك سال گذشته محرك مثبتي کمی از زندگي‌شان حذف شده است. در مقابل 1/5 درصد (6 نفر) حذف محرك مثبت را زیاد گزارش کرده‌اند.

جدول 3 . توزيع پاسخ‌گويان برحسب میزان وجود محرك منفي

وجود محرك منفي	تعداد	درصد	درصد تجمعي
کم	198	49/5	49/5
متوسط	173	43/3	92/8
زیاد	29	7/3	100
کل	400	100	--

داده‌هاي جدول (3) نشان مي‌دهد که 49/5 درصد پاسخ‌گويان وجود محرك منفي را کم و 43/3 درصد متوسط و تنها 7/3 درصد زیاد گزارش کرده‌اند.

متغير عدم دستيابي به اهداف ارزشمند مثبت يکي ديگر از متغيرهاي مستقل تبیین‌کننده مدل تحلیلي تحقيق است، که شامل دو بُعد اهداف شغلي و اهداف تحصيلي مي‌باشد. داده‌هاي جدول (4) حاکی از آن است که 24/5 درصد پاسخ‌گويان شانس دستيابي به اهداف شغلي را زياد و 22/5 درصد خيلي زياد گزارش کرده‌اند در مقابل 11/3 درصد از پاسخ‌گويان در اين زمينه به گزينه خيلي کم پاسخ دادند. از طرف ديگر، در زمينه اهداف تحصيلي، بيش از 50 درصد پاسخ‌گويان، شانس‌شان را براي اخذ مدرک دانشگاهي زياد (29 درصد) و خيلي زياد (22/5 درصد) گزارش کرده‌اند. 30 درصد پاسخ‌گويان نيز شانس اخذ مدرک دانشگاهي را متوسط و بقيه کم‌تر از آن عنوان کرده‌اند. در مجموع، شانس دستيابي به اهداف تحصيلي بيشتر از اهداف شغلي گزارش شده است.

جدول 4 . توزيع پاسخ‌گويان برحسب معرف‌هاي مربوط به عدم دستيابي به اهداف ارزشمند مثبت

ردیف	عدم دستيابي به اهداف ارزشمند مثبت	شدت	تعداد	درصد	درصدتجمعي
------	-----------------------------------	-----	-------	------	-----------

22/5	22/5	90	خیلی زیاد	الف) اهداف شغلي شانس دستیابی به شغلي که شما مایلید بعد از اتمام مدرسه‌تان داشته باشید	1
47	24/5	98	زیاد		
77/5	30/5	122	متوسط		
88/7	11/25	45	کم		
100	11/25	45	خیلی کم		
--	100	400	کل		
22/5	22/5	90	خیلی زیاد	ب) اهداف تحصیلي شانس‌تان برای اخذ مدرک دانشگاهی	2
51/5	29	116	زیاد		
81/5	30	120	متوسط		
89/5	8	32	کم		
100	10/5	42	خیلی کم		
100	100	400	کل		

مطابق یافته‌های جدول (5) از مجموع 400 دانش‌آموز، 78 درصد پاسخ‌گویان وندالیسم را کم، 16 درصد متوسط، و 6 درصد زیاد گزارش کرده‌اند. یافته‌های مندرج در جدول نمایانگر آن است که 53 درصد پاسخ‌گویان میزان خشونت‌شان را کم، 36/8 درصد متوسط و 10/3 درصد زیاد بیان کرده‌اند. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که 87 درصد پاسخ‌گویان میزان سرقت و تقلب‌شان را کم و بیش از 10 درصد متوسط و 2/3 درصد زیاد گزارش کرده‌اند. در این زمینه شایان ذکر است که سرقت و تقلب از لحاظ میزان فراوانی بسیار متفاوت هستند و کمی سرقت زیادی تقلب را پوشانیده است. زیرا آمار تفکیکی تقلب در امتحانات نشان می‌دهد که 40 درصد از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که زیاد تقلب می‌کنند. در حالی که گویه‌های مربوط به سرقت فقط 8 درصد به میزان زیاد می‌باشد. همچنین از دانش‌آموزان در مورد میزان استعمال و مصرف الکل، سیگار و قرص‌های اِکس پرسیده شد. با ترکیب این گویه‌ها، میزان استعمال مواد مخدر و الکل به دست آمد. داده‌های جدول حاکی از آن است که بیش از 90 درصد پاسخ‌گویان استعمال مواد مخدر و الکل را کم و 7 درصد متوسط و 2/3 درصد زیاد گزارش کرده‌اند. داده‌های جدول بیانگر

جدول 5. توزیع پاسخ‌گویان برحسب ابعاد بزهکاری

ردیف	ابعاد	شدت	تعداد	درصد	درصد تجمعی
1	وندالیسم	کم	312	78	78
		متوسط	64	16	94
		زیاد	24	6	100
		کل	400	100	-
2	خشونت و زور	کم	212	53	53
		متوسط	147	36/8	89/8
		زیاد	41	10/3	100
		کل	400	100	-
3	سرقت و تقلب	کم	384	87	87
		متوسط	43	10/8	97
		زیاد	9	2/3	100
		کل	400	100	-
4	استعمال	کم	363	90/8	9

97/8	7	28	متوسط	موادمخدرو الکل	
100	2/3	9	زیاد		
-	100	400	کل		
82/8	82/8	331	کم	کجروي هاي فرهنگي	5
93	10/2	41	متوسط		
100	7	28	زیاد		
-	100	400	کل		

آن است که اکثریت پاسخ‌گویان (82/8 درصد) کجروي فرهنگي را کم اظهار کرده‌اند. در مقابل فقط 7 درصد (28 نفر) از پاسخ‌گویان کجروي هاي فرهنگي شان زیاد و 10/2 درصد متوسط گزارش کرده‌اند.

7 - 1 - 3 یافته‌هاي تحلیلي

ضرایب همبستگی پیرسون مندرج در جدول (6) نشان می‌دهد که متغیر وجود محرک منفی با 0/33 دارای بالاترین مقدار همبستگی معنادار با میزان بزهکاری است. پس از آن متغیرهاي حالات عاطفی منفی و از دست دادن محرک مثبت به ترتیب با 0/17 و 0/16 همبستگی معناداری با میزان بزهکاری دارند و این بدین معناست که این همبستگی‌ها به احتمال

جدول 6 . همبستگی مرتبه صفر متغیرهاي مستقل و میزان بزهکاری

همبستگی مرتبه صفر	متغیر	ردیف
0/14	عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت	1
0/16**	از دست دادن محرک مثبت	2
0/33**	وجود محرک منفی	3
0/17**	حالات عاطفی منفی	4

**ضریب همبستگی در سطح 1% معنادار است

زیاد در جمعیت مبنای نمونه‌گیری تحقیق نیز وجود دارد. متغیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت نیز فاقد همبستگی معنادار با میزان بزهکاری است.

7 - 1 - 4 . رگرسیون چندمتغیره برای تبیین متغیر وابسته (بزهکاری)

جدول 7 . خلاصه مدل رگرسیون چندمتغیره بزهکاری

R	R square	Adjusted R square	F	sig
0/327	0/107	0/104	47/53	0/000

جدول 8 : ضرایب تاثیرات مدل تبیین کننده ی بزهکاری

متغیر	(B) ضریب تاثیر غیر استاندارد	(Beta) ضریب تاثیر استاندارد	T-value (ارزش T)	Sig (معداری)
وجود محرك منفي	0/330	0/327	6/895	0/000

در این تحقیق، برای گرفتن رگرسیون چندمتغیره از روش گام به گام استفاده شده است. در این روش که متغیرها به ترتیب وارد معادله می‌شوند، در ابتدا متغیری وارد معادله می‌شود که بیشترین مقدار را از واریانس متغیر وابسته تفسیر و تبیین می‌نماید. بدیهی است این متغیر بالاترین همبستگی را با متغیر وابسته خواهد داشت. نکته قابل ذکر آن است که با ورود هر متغیر جدید کلیه متغیرهای موجود در معادله مورد بررسی قرار می‌گیرند و اگر هرکدام از آنها سطح معناداری خود را از دست داده باشند، قبل از ورود متغیر جدید این متغیر از معادله خارج می‌شود. در پایان عملیات نیز هر متغیری که دارای سطح معناداری کمتری از سطح تعیین شده باشد، در معادله حضور نخواهد داشت. تحلیل رگرسیونی خطی نمایانگر تأثیر متغیرهای مستقل عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، حذف محرك مثبت، وجود محرك منفي و حالات عاطفی منفي، بر متغیر وابسته یعنی بزهکاری دانش‌آموزان بوده است. همان‌طور که در جدول (8) مشاهده می‌نماید، از بین 4 متغیر مستقل مورد بررسی در این تحقیق، وجود محرك منفي وارد معادله رگرسیونی شده است (sig = 0/000) و بقیه متغیرها به علت معنادار نبودن رابطه‌شان با متغیر وابسته حذف شده‌اند (sig > 0/05). نتایج مندرج در جدول (7) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه (R) معادل 0/33 بوده است. این مطلب بدین معناست که متغیر وجود محرك منفي به‌طور همزمان 0/33 با بزهکاری دانش‌آموزان ارتباط داشته است. ضریب تعیین یا R² نیز که مبین نسبتی از کل تغییرات متغیر وابسته است که توسط متغیرهای مستقل به حساب می‌آید، 0/107 محاسبه شده است، این مطلب بدین معناست که متغیر وجود محرك منفي، بیش از 10/7 درصد از تغییرات بزهکاری دانش‌آموزان را در بین نمونه آماری تبیین کرده و توضیح می‌دهد.

7 - 1 - 5 تبیین رگرسیون چند متغیره حالات عاطفی منفي

جدول 9 . خلاصه مدل رگرسیون چندمتغیره حالات عاطفی منفي

مدل	R	R square	Adjusted R square	F	Sig
1	0/332	0/110	0/108	49/291	0/050
2	0/352	0/124	0/120	28/095	0/000

جدول 10 . ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده حالات عاطفی منفي

متغیر	(B) ضریب تأثیر غیر استاندارد	(Beta) ضریب تأثیر استاندارد	T- value (مقدار T)	Sig (معداری)	Zero -rder Correlation (همبستگی مرتبه صفر)	Partial همبستگی تفکیکی)

وجود محرك منفي	0/029	0/313	6/57	0/000	0/332	0/313
عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت	0/361	0/119	2/500	0/013	0/170	0/124

اهداف ارزشمند مثبت

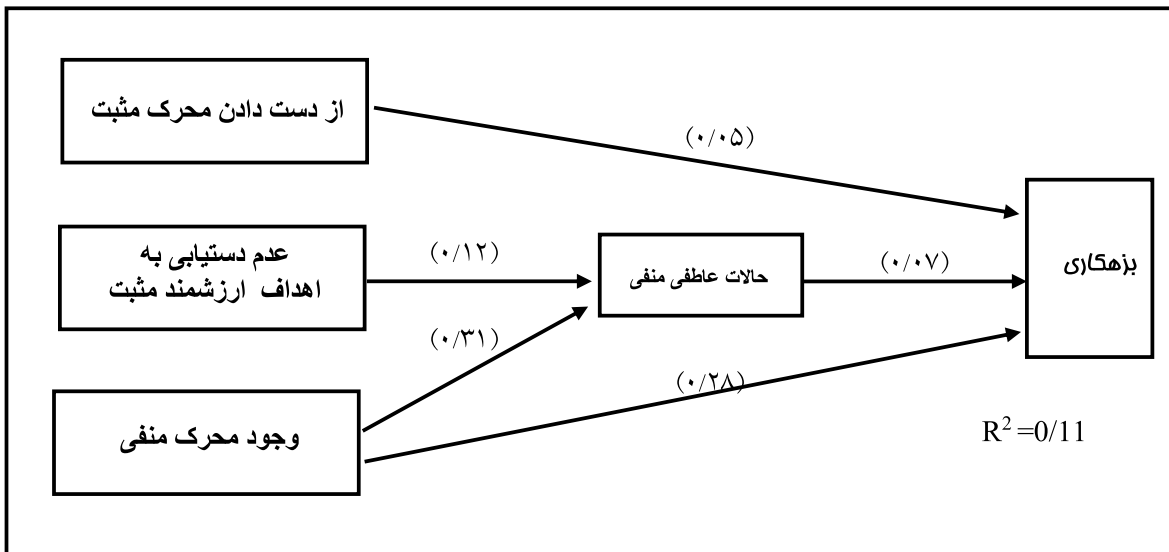
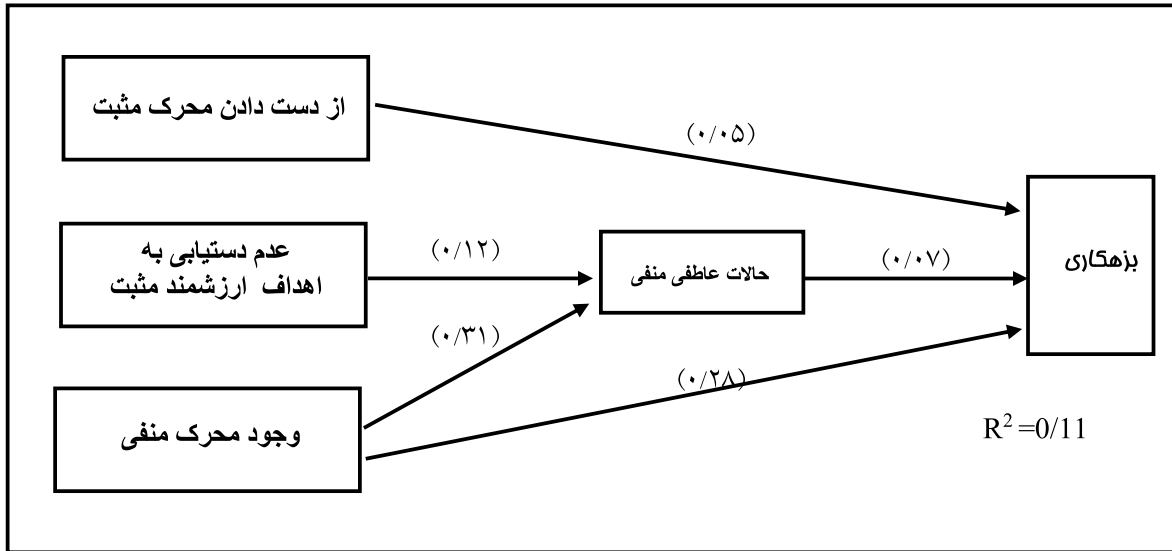
تحلیل رگرسیونی چندمتغیره مشتمل بر سه متغیر (حذف محرك مثبت، وجود محرك منفي و عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت) برای پیش‌بینی کردن حالات عاطفی منفي دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که، تنها دو متغیر وجود محرك منفي و عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت به‌طور معنادار متغیر وابسته یعنی حالات عاطفی منفي را پیش‌بینی می‌کند. به این معنا که متغیر وجود محرك منفي در سطح معناداری 0/00 و متغیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت در سطح معناداری 0/01 با متغیر وابسته رابطه داشته‌اند. همچنین داده‌های جدول (10) بیانگر آن است که مؤثرترین متغیر بر حالات عاطفی منفي دانش‌آموزان، یعنی وجود محرك منفي که در ابتدا وارد مدل شده است، دارای 0/33 همبستگی با حالات عاطفی منفي دانش‌آموزان بوده است (R0=0/332). ضریب تعیین (R2) نیز نشان می‌دهد که 11 درصد از تغییرات

حالات عاطفی منفي دانش‌آموزان از طریق متغیر وجود محرك منفي توضیح داده می‌شود و مابقی، توسط سایر عوامل توضیح داده می‌شود. در گام بعدی، متغیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت وارد معادله رگرسیونی شده است که با ورود این متغیر ضریب همبستگی با افزایش معادل 0/020 واحد از 0/33 به 0/35 رسیده است ضریب تعیین (R2) نیز نشان می‌دهد که 12/4 درصد از نوسان حالات عاطفی منفي دانش‌آموزان توسط متغیرهای وجود محرك منفي و عدم دستیابی به اهداف ارزشمند و مثبت قابل توضیح و تبیین است.

به منظور فهم دقیق‌تر شدت و جهت متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته، جدول معادله رگرسیونی (10) بیان شده است. نتایج این جدول نشان می‌دهند که از بین متغیرهای وارد شده در مدل دو متغیر وجود محرك منفي در سطح معناداری 0/0 و متغیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت در سطح معناداری 0/01 با بزهکاری رابطه داشته‌اند. همچنین، ضرایب استاندارد بتا بیانگر آن است که قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده ابتدا متغیر وجود محرك منفي (Beta = 0/313) و سپس عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت (Beta = 0/119) می‌باشد. به عبارتی، می‌توان گفت که از مقایسه ضرایب رگرسیون استاندارد بتا (Beta) مشخص می‌شود که وجود محرك منفي متغیر مستقلی است که بهتر از عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت می‌تواند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند، و با افزایش یک واحد انحراف معیار در متغیرهای وجود محرك منفي و عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت متغیر وابسته یعنی حالات عاطفی منفي به ترتیب به میزان 0/31 و 0/12 انحراف معیار افزایش می‌یابد.

در نمودار (1) و (2) تحلیل مسیر بزهکاری قبل و بعد از حذف مسیرها به نمایش گذاشته شده است:

نمودار 1 مدل تحلیلی رگرسیون بزهکاری



جدول 11 . اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مدل تحلیلی بر روی بزهکاری

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت	-	0/008	0/008
از دست دادن محرک مثبت	0/055	-	0/055
وجود محرک منفی	0/284	0/088	0/372
حالات عاطفی منفی	0/071	--	0/071

جدول (11) نمایانگر آن است که مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تغییرات میزان بزهکاری دانش‌آموزان به‌طورکلی به‌ترتیب وجود محرک منفی (0/372)، حالات عاطفی منفی (0/071)، حذف محرک مثبت (0/055) و عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت (0/008)، بوده است. البته متغیر وجود محرک منفی به لحاظ تأثیر مستقیم (0/284) و غیرمستقیم (0/088) بیشترین تأثیر را داشته است.

از مقایسه نمودار (1) و (2) درمی‌یابیم که بعضی مسیرها در مدل (2) براساس ضرایب مسیر (میزان ضرایب بتا) هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته حذف شده‌اند. زیرا مطابق مباحث کرلینجر و پدهاوزر (1366) اگر تحلیل مبتنی بر یک نمونه نسبتاً بزرگ باشد، ضریب‌های مسیر کوچک هم ممکن است به لحاظ آماری معنی‌دار شوند و این مشکلی است که در استفاده از ملاک آماری معنی‌دار بودن پیش می‌آید. بنابراین ایشان پیشنهاد کرده‌اند که ملاک حذف مسیرهای مدل تحلیلی ضریب‌های مسیر باشد که معادل ضریب‌های بتا است به این صورت که ضرایب‌های مسیر کوچک‌تر از 0/05 غیرمعنی‌دار تلقی گردد (کرلینجر و پدهاوزر، 1366:420). بر این اساس، ضریب مسیر حذف محرک مثبت و حالات عاطفی منفی که کمتر از 0/05 می‌باشد (0/02-)، از مدل تحلیلی حذف شده است. همچنین با وجود این‌که ضریب مسیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت و بزهکاری در حد 0/05 می‌باشد، ولی از آن‌جا که بر خلاف فرضیه‌های تحقیق، رابطه معکوس را نشان می‌دهد (0/05-) از مدل حذف گردیده است.

8 . جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از جمله حوزه‌هایی که با مسئله بزهکاری در ارتباط می‌باشد، حوزه انحرافات اجتماعی است که تبیین‌ها و نظریات متفاوتی را در بر می‌گیرد. نظریه فشار عمومی اگنیو یکی از نظریه‌های نسبتاً جدید این حوزه می‌باشد که به بررسی تأثیر منابع فشار بر بزهکاری می‌پردازد. مطالعات انجام‌شده در خارج از کشور نشان داده است که عناصر این نظریه (عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، از دست دادن محرک مثبت، وجود محرک منفی و حالات عاطفی منفی) ارتباط تنگاتنگی با بزهکاری داشته است. بدین معنا که می‌توان نظریه فشار عمومی اگنیو را برای تبیین متغیر وابسته‌ی تحقیق (بزهکاری) در نظر گرفته و مورد مطالعه قرار داد.

مدل تحلیلی تحقیق شامل هفت فرضیه می‌باشد که از این میان پنج فرضیه توانست از آزمون رد عبور نماید. نتایج به‌دست آمده از تحقیق حاضر به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه‌ای که بر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین حذف محرک مثبت و بزهکاری نوجوانان دلالت دارد، از جمله فرضیاتی است که توانست از آزمون رد عبور نماید. نتایج پژوهش‌های مازرولی و پاترنوستر (1994) نیز این رابطه را تأیید کرده است. یکی دیگر از فرضیه‌هایی که توانست از آزمون رد عبور نماید، حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنادار بین وجود محرک منفی و بزهکاری نوجوانان است. مطابق نتایج تحقیق، مناسبات منفی با والدین و معلمان، منازعه با مدرسه و همالان و وجود مسائل و مشکلاتی (وندالیسم، دعوا، شرارت و...) در محیط زندگی به‌طور مثبت با بزهکاری نوجوانان مرتبط می‌باشند. تحقیقات تجربی پیشین نیز این نتایج را تأیید کرده‌اند. (اگنیو و وایت: 1992، مازرولی و پاترنوستر: 1994، مازرولی: 1998، برزینا: 1996، اگنیو و همکارانش: 2002).

نتایج تحقیق همچنین مبین آن است که حالات عاطفی منفی موجب افزایش بزهکاری نوجوانان می‌شود. نتایج تحقیق وان‌نینگ‌باو و همکارانش (2004) نیز مشابه بوده است. فرضیه دیگری که توانسته از آزمون رد عبور نماید، مبنی بر این است که بین عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت و حالات عاطفی منفی رابطه مستقیمی وجود دارد. این رابطه را محققانی همچون برویدی (2001) نیز در پژوهش‌های خود تأیید کرده است. یکی دیگر از نتایج تحقیق مبین وجود رابطه مستقیم و معنادار بین وجود محرک منفی و حالات عاطفی منفی می‌باشد. استروئسکی و منس‌سنر (2000) و وارنر (2003) در تحقیقاتشان به نتایج مشابهی دست یافته‌اند. اما دو فرضیه دیگر نتوانستند از آزمون رد عبور نمایند: نتایج نشان می‌دهد برخلاف فرضیه تحقیق، بین عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت و بزهکاری نوجوانان رابطه معکوس و معنادار بوده است. اگر چه این نتیجه برخلاف نظریه فشار عمومی می‌باشد که معتقد است افراد هنگام ناتوانی در دستیابی به اهداف مطلوب ناامید شده و ممکن است نتیجه این احساس محرومیت به ارتکاب جرم و بزهکاری منجر شود. ولی اگنیو در نقد نظریه‌های سنتی فشار مطرح می‌کند که شکاف و گسستگی بین آرزوها و انتظارات تنها در برخی موقعیت‌های خاص منشأ فشار است، موقعیت‌هایی که در آن بازخورد بیرونی که توسط دیگران به فرد داده می‌شود، به قدری مکرر و صادقانه است که مانع از آن می‌شود که افراد در مورد میزان دستیابی به اهداف خود اغراق نکنند و در واقع احساس ناکامی به آنان دست دهد. همچنین گاهی وقت‌ها افراد شکست در دستیابی به این اهداف را خیلی جدی نمی‌گیرند و در واقع حتی اگر به آن‌ها دست هم نیافته باشند، می‌گویند تا حدودی به آن‌ها دست یافته‌ایم. پاترنوستر و مازرولی (1994) نیز در پژوهش‌هایشان به نتایج مشابهی دست یافته‌اند.

در تحقیق حاضر، برای بررسی دقیق‌تر رابطه بزهکاری و منابع فشار ذکر شده، علاوه بر بررسی و سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر بزهکاری، تحلیل‌های رگرسیونی چندمتغیره برای ابعاد بزهکاری و تحلیل‌های رگرسیونی چندمتغیره بزهکاری با حضور متغیرهای کنترلی نیز بیان شده است. نتایج حاصل از تحلیل‌های رگرسیونی چند متغیره ابعاد بزهکاری را نشان داده است.

از بین تمامی متغیرهای وارد شده در مدل، وجود محرک منفی تنها متغیره‌ای بوده است که با تمام ابعاد بزهکاری (وندالیسم، خشونت، سرقت و تقلب، استعمال مواد مخدر و الکل و کجروی‌های فرهنگی) و متغیر حالات عاطفی منفی تنها با دو بعد وندالیسم و خشونت ارتباط مستقیم و معناداری داشته است. چهار متغیر مستقل حالات عاطفی منفی، عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، وجود محرک منفی و حذف محرک مثبت، بعد وندالیسم را بیش از سایر ابعاد بزهکاری تبیین کرده است. به این صورت که مدل تحلیلی قادر بوده است 11/6 درصد از

نوسانات متغیر وندالیسم را توضیح دهد. در حالی که این میزان برای ابعاد خشونت، سرقت و تقلب، استعمال مواد مخدر و الکل و کجروی‌های فرهنگی به ترتیب 10، 6، 4، 4 درصد می‌باشد. از بین چهار متغیر مستقل مدل (حالات عاطفی منفی، عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، وجود محرک منفی، حذف محرک مثبت)، تنها یک متغیر وجود محرک منفی با تمامی ابعاد بزهکاری (وندالیسم، خشونت، سرقت و تقلب، استعمال مواد مخدر و الکل و کجروی‌های فرهنگی) رابطه معناداری داشته است، در حالی که در مدل رگرسیونی وندالیسم و مدل رگرسیونی خشونت علاوه بر متغیر وجود محرک منفی، متغیر حالات عاطفی منفی نیز با بزهکاری رابطه معناداری داشته است. قوی‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده وندالیسم نیز به ترتیب متغیرهای وجود محرک منفی (بتا = 0/29) و حالات عاطفی منفی (بتا = 0/11) و قوی‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده خشونت به ترتیب متغیرهای وجود محرک منفی (بتا = 0/26) و حالات عاطفی منفی (بتا = 0/12) می‌باشند.

منابع

- احمدی، حبیب (1384)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، چاپ اول، تهران: سمت.
- احمدی، سید احمد (1378)، *روان‌شناسی نوجوانان و جوانان*، چاپ هشتم، تهران: نخستین.
- داوس، دی، ای (1376)، *روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
- ستوده هدایت ... (1376)، *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: انتشارات آوای نور
- سخت، جعفر (1383)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- ساروخانی، باقر (1381)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، چاپ هفتم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سراج‌زاده، سید حسین (1383)، «کجروی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای مدیریت فرهنگی»، *فصلنامه پژوهش*، شماره 3.
- سوتهیل، کیت و پیلو، مویرا و تیلور، کلر (1383)، *شناخت جرم‌شناسی*، ترجمه میر روح‌الله صدیق، تهران: دادگستر.
- طالبان، محمدرضا (1378)، *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*، چاپ اول، تهران: آن.
- _____، (1380)، *دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز*، چاپ اول، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- طالبان، محمدرضا (1383)، «تحلیل واریانس ساختاری بزهکاری نوجوانان»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، شماره 7، صص 34 - 3.
- کرلینجر، پدهازور (1366)، *رگرسیون چندمتغیره در پژوهش‌های رفتاری*، ترجمه حسن سرایی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کوئری، مسعود (1382)، «آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر، اعتیاد پژوهی»، *فصلنامه علمی پژوهشی سوء مصرف مواد* دفتر نشر دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، شماره 5 صص 13 – 29

ممتاز، فریده (1381)، *انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)*، تهران.

محمدی اصل، عباس (1383)، *فصلنامه مطالعات جوانان*، نشر سازمان جوانان، شماره 6 صص 59 – 101.

نوربها، رضا (1377)، *جرم‌شناسی*، تهران: احمدی.

ولد، جرج، توماس برنارد و جفری اسنیپس (1380)، *جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)*، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.

"yqneunD fo yroehT niartS desiveR A" .)5891(treboR ,wengA A46secroF laoiC-861. .151PP)I)

dna emirC fo yroehT niartS lareneG a rof noitadnuoF" .)2991 (treboR ,wengA . "yqneunDygonimirC. 74-78. PP ,1 rebmuN ,03 lov ,

niartS lareneG fo tseT laciripmE nA" .)2991(eneleH ,etihW niksaR dna treboR ,wengA , "yroehTygonimirC 4. rebmuN ,03 lov ,

emirC ni ecnereffiD ytinummoC fo yroehT niartS lareneG A" .)9991, (treboR ,wengA "setaRyqneunD dna emirC ni hcereseR fo lanruoJ. 321-551. PP ,2 .oN ,63 loV,

,stiaT ytilanosrep ,niartS" .)2002(.T .F ,nelluC., & P .J, thgirW ,T ,anizerB ,R ,wengA . "yroehT niartS lareneG gnidnetxE :yqneunD dneygonimirC, 04, 34-27.

gnipoC yqneunD fo noitanimaxE nA :niartS ot gnitpadA")6991 (yhtomiT , anizerB , "sesnopseRygonimirC. 93-06. PP ,43

"yroehT niartS lareneG fo tseT A")1002(asiL, ydiorBygonimirC 1. rebmuN ,93 lov , .53-9 .pp

selameF rof niartS gnicudorP-ecnaiveD fo ecruoS a gnirolpxE)2002(. "divaD ,eltiE " ,yroehT niartS lareneG dna noitanimircsiD deviecreP 03ecitsuJ lanimirC fo lanruoJ. 942-244. ,PP

yqneunD no niartS fo steeffe lanoitidnoC ehT" .)4991(nasuS .S dna .pnhoJ ,namffoH , "secnereffiD xeS fo tmemssessA yroehT niartS A :esU gurD dna hcaeseR fo lanruoJ yqneunD dna ni. 64-87.PP ,1 .oN ,43 lov,

tnaiveD dna ,snoitomE evitagen ,niartS")3002(.R noryB ,nosnhoJ dna gnuS ,gnaJ nooJ , "yroehT niartS lareneG fo tseT A :snaciremA nacirfA gnomA gnipoC fo lanruoJ ygonimirC evitatitnauQ. 97-601.PP ,1 .oN ,91 loV.

laciripmE nA :yqneunD dna ,niartS lareneG ,redneG" .)8991 (luaP ,ellorezaM , "noitanimaxEyletrauQ ecitsuJ. 1, 56-78. oN ,51 lov,

tludA gnuaj a rof emirC gninialpxE .)5002(nevetS ,renseM dna K LeahciM ,ykwortsO ,yroehT niartS lareneG fo noitacilppA nA: noitalupoPecitsuJ lanimirC fo lanruoJ 364-674. 33,

dna yroehT niartS lareneG" .)4991(luaP ,ellorezaM dna dnomyaR, retsonretaP ,noisnetxE dna noitacilpeR A :ycneunqnilEdna emirC ni hraeseR fo lanruoJ ycneunqnilEd 3, 532-362. .oN ,13 loV,

)7991(.hpesoJ ,anneiS dna yrraL ,legeiSycneunqnilEd elinevuJ tseW ,noitidE xiS , .ynapmoC gnihsilbuP

)8991(.yrraL ,legeiSygolonimirC.ynapmoC gnihsilbuP htrowsdaW :nodnoL,

dna ,snoitomE evitageN ,niartS efiL" .)4002(nujiY ,ip dna niA, saaH & oaB gniN-naW fo cilbupE s'elpoeP ni yroehT niartS lareneG fo tseT laciripmE nA :ycuqnileD ,,"anihCygolonimirC evitarapmoC dna yparehT redneffO fo lanruoJ lanoitanretnI-792. , 84, . 182pp ,)3)

.S enitsirhC ,srelleS dna drahciR ,obmeD & K nhoJ ,narhcoC & refinneJ ,maheraW lareneG fo level-itluM a fo tseT A :ycneunqnilEd dna, niartS ,ytinummoC .)5002(,yroehT niartS 6 weiveR ygolonimirC nretseW. 711-331.PP .)1)

A gnitseT :ecneloiV dna ,niartS" .)3002(konnahS ,relwoF dna D arabraB ,renraW ,,"ecneloiV ytinummoC ni ledom yroehT niartS lareneGcitsuJ lanimirC fo lanruoJ. 125-775. PP ,13

اکبر علیوردینیا استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازنداران است. (نویسندهمسئول)

aliverdina@umz.ac.ir

محمداسماعیل ریاحی استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازنداران است.

e_riahi@yahoo.com

سیده ملیحه موسوی چاشمی کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازنداران است.

mmchi@yahoo.com

پیوست

جدول پیوست 1 . ابعاد و معرف‌های متغیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند و مثبت

معرف	ابعاد	متغیر	ردیف
شانس دستیابی به شغل مناسب	اهداف شغلی	عدم دستیابی به اهداف	1
شانس گرفتن مدرک دانشگاهی	اهداف تحصیلی	ارزشمند مثبت	

جدول پیوست 2 . معرف‌های متغیر حذف محرک مثبت

معرف	متغیر	ردیف
طلاق والدین مرگ یکی از اعضای خانواده بیماری جدی یکی از اعضای خانواده بیکار شدن پدر داشتن مشکلات مالی بهم زدن رابطه دوستی با يك فرد صميمي نقل مکان کردن از پیش يك دوست صميمي نقل مکان کردن يك دوست نزدیک یا همراه صميمي تغییر دادن مدرسه تصادف جدي ازدواج مجدد یکی از والدین ترك تحصیل یا اخراج از مدرسه	از دست دادن محرک مثبت	2

جدول پیوست 3 . ابعاد، مؤلفه‌ها و معرف‌های متغیر وجود محرک منفي

معرف	مؤلفه	ابعاد	متغیر	ردیف
بیگانه بودن با خانواده احساس تنهایی با خانواده نیاز به کمک خانواده داشتن بی انضباط دانستن فرد ایجاد درد سر و مزاحمت کردن انجام کارهای برخلاف قانون فرزند بدی بودن	والدین	مناسبات منفي	وجود محرک منفي	3
عدم توجه معلم عدم درخواست معلم جهت انجام پروژه ای نیاز به کمک معلم داشتن بی انضباط دانستن فرد ایجاد درد سر و مزاحمت کردن دانش آموز بدی بودن انتقاد کردن	معلم			
احساس تنهایی در مدرسه مشارکت کردن در فعالیت های مدرسه وجود تعدادی دانش‌آموزان قلدر در مدرسه نگران بودن از کتک خوردن در مدرسه	مدرسه	منازعه		
عدم جور شدن با دوستان عدم توجه دوستان به مشکلات احساس تنهایی با وجود بودن بچه‌ها احساس تنهایی با وجود دوستان	همالان			

احساس دوست داشته شدن				
وندالیسم سرقت اعتیاد خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی دعوا، شرارات و قمه‌کشی	-	مشکلات محله		

جدول پیوست 4 . معرف‌های کتخیر حالات عاطفی منفی

معرف	متغیر	ردیف
احساس خشم احساس افسردگی احساس ناامیدی احساس اعتمادی احساس گناه احساس ترس و اضطراب احساس ناراحتی و غمگینی	حالات عاطفی منفی	4